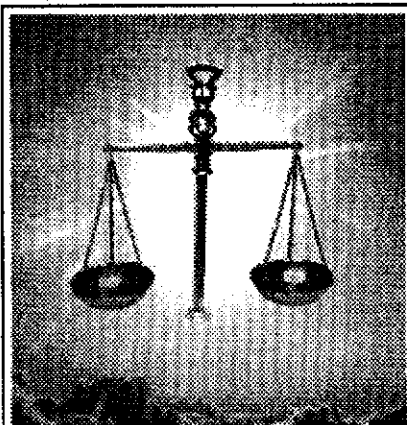


## مشروعیت دادگاه انقلاب و چند ملاحظه

دکتر عباس (راعت)

(عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان)



همان قانون.

ب - جرایم اختلاس، تصرف غیرقانونی، ارتشاء، کلاهبرداری در اموال دولتی و تدلیس.

ج - راهزنی در راهها و شوارع و سرقت مسلحانه و جرایم مذکور در قوانین تشدید مجازات سارقین مسلح (مصوب تیر ماه ۱۳۳۳ و دیماه ۱۳۳۸).

د - جرایم کسانی که مبادرت به وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری بدون اجازه دولت می نمایند.

ه - جرایم مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرایم مذکور (مصوب ۱۳۴۸/۳/۳۱) جز قسمت دوم بند (ه) همان قانون.

و - اعمال کسانی که بر طبق قوانین موضوعه، مبادرت به جاسوسی به سود بیگانه نموده و اسرار نظامی را به دشمن تسلیم نمایند.

ز - کلیه جرایم مذکور در قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع (مصوب سال ۱۳۴۸) و قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها و اراضی موات (مصوب سال ۱۳۳۹).

ح - جرایم مندرج در لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی (مصوب ۱۳۵۱/۱۱/۹).

این لایحه اگر چه بیشتر به نحوه دادرسی دادگاههای فوق العاده پرداخته بود اما مواد (۵) تا (۱۰) آن، مقررات ماهوی برخی از جرایم و مجازاتهای آنها را نیز بیان می کرد. تشریفات دادرسیهای عادی در این دادگاهها وجود نداشت و رعایت اصول و مقررات عمومی که متضمن حق دفاع و اجرای عدالت باشد، کافی می نمود. حق گرفتن وکیل به متهم داده شده و احکام این دادگاهها جز در مورد حبس ابد و اعدام، قطعی تلقی می شد و در موارد اعتراض نیز حق صدور رأی به دیوان

اساس مبانی حقوقی به بررسی جایگاه قانونی دادگاه مزبور پرداخته شود چرا که تأمل در مقررات مربوط به این دادگاه و سابقه آن، بایی را به روی نقد حقوقی مشروعیت آن می گشاید. قبل از ورود به این نقد که در قالب چند سؤال مطرح خواهد شد، لازم است با سابقه تاریخی این نهاد قضائی آشنا شویم. سابقه تاریخی:

۱ - لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرایم ضدانقلاب، مندرج در روزنامه رسمی (مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۵).

هسته اولیه دادگاه انقلاب به موجب لایحه فوق الاشاره که طی (۲۷) ماده به تصویب شورای انقلاب رسیده است، شکل گرفت و دادگاه مزبور، در این لایحه با نام «دادگاه رسیدگی به جرایم ضد انقلاب» شناخته می شد.

ماده اول این قانون، هدف از تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب را استقرار حاکمیت ملی و نگهداری از دستاوردهای انقلاب دانسته است. این دادگاه با سه قاضی در مراکز استانها و عنداللزوم در شهرستانهای تابعه تشکیل می شد. ماده (۴) قانون مزبور، صلاحیت دادگاه فوق العاده را چنین پیش بینی کرده بود: «دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب به موارد زیر رسیدگی می نماید:

الف - کلیه جرایم پیش بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا پایان ماده (۲۶۱)

یکی از دادگاههای اختصاصی در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران، دادگاه انقلاب است. این دادگاه همان گونه که از نامش پیداست - مربوط به انقلاب اسلامی و مسائل جنبی آن بخصوص پیروزی انقلاب و تثبیت آن می باشد و طبیعی است که هر حکومت جدیدی باید تدابیر خاصی را برای تثبیت خود بیندیشد و تدبیر دادگاه انقلاب نیز گامی در همین راستاست تا سرکوبی معاندان انقلاب، دچار قواعد طولانی و دست و پاگیر دادرسیهای عادی نشود. پیش بینی این دادگاه در قوانین عادی و از جمله در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۱۳۲۲/۴/۱۵)، که نقشه معماری تشکیلات قضائی کنونی به حساب می آید، از نظر ظاهری اثر خدشه ای در مشروعیت دادگاه انقلاب به جای نمی گذارد اما هر بار که این دادگاه وارد رسیدگی به پرونده مهم سیاسی می شود و یا به موضوعی می پردازد که در ظاهر باید در دادگاههای عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد، نویسندگان و فعالان سیاسی، مشروعیت این دادگاه را زیر سؤال می برند اما شایسته است به دور از جنجالهای سیاسی و در فضائی آرام و بر

عالی کشور داده شده بود و سرانجام ماده (۱۶) این قانون مقرر می‌داشت: «هر موقع که هیأت دولت جمهوری اسلامی، کار دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرایم ضدانقلاب را لازم تشخیص ندهد، به موجب تصویب نامه آنها را منحل خواهد کرد. در صورت انحلال دادگاههای مزبور در مراجع صالح قضائی به پرونده‌هایی که منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشند مطابق مقررات عمومی رسیدگی خواهند کرد.»

۲ - آیین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب مندرج در روزنامه رسمی (مورخ ۱۳۵۸/۵/۲۰):

آیین نامه مزبور، متعاقب لایحه قانونی قبلی به تصویب رسید و نام دادگاه را به «دادگاه انقلاب» تغییر داد و صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم علیه انقلاب و جرایمی که قبل از پیروزی انقلاب به منظور تحکیم رژیم پهلوی و نفوذ بیگانگان صورت گرفته بود، تعیین شد. بیشتر مواد این آیین نامه به دادرسی دادگاههای انقلاب پرداخته و نهاد دادرسی در معیت دادگاه انقلاب پیش بینی شد. ماده (۲) آیین نامه، صلاحیت دادگاه انقلاب را چنین مقرر می‌داشت: «رسیدگی به جرایم زیر در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی است: ۱ - قتل و کشتار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت. ۲ - حبس و شکنجه مردم مبارز به آمریت و مباشرت، ۳ - جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال و یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان، ۴ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی به نفع اجانب، ۵ - سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر.»

ماده (۳) آیین نامه، موقتی بودن دادگاه انقلاب را بدین شرح بیان کرده بود: «دادگاه و داد سرای انقلاب اسلامی به دستور امام تشکیل شده و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود در این صورت دادگستری،

کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد. تبصره - تشخیص ضرورت و عدم ضرورت با رهبر انقلاب، امام خمینی است.»

۳ - قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب (مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱): قانونگذار در سال (۱۳۶۲) دادگاهها و دادرهای انقلاب را به دادگستری ملحق نمود و به موجب ماده واحده مارالذکر، صلاحیت آن را چنین برشمرد: «کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض سوء قصد به مقامات سیاسی کلیه جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق قتل و کشتار و حبس و شکنجه به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت غارت بیت‌المال گرانفروشی و اختکار اوراق عمومی.»

۴ - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵): در مورد صلاحیت دادگاههای انقلاب، قوانین متفرقه‌ای نیز وجود دارد همچون (قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور) و آخرین مصوبه در مورد دادگاههای انقلاب، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب است که ماده (۵) آن مقرر می‌دارد: «به تعداد مورد نیاز دادگاههای انقلاب در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضائی تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید: ۱ - کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض، ۲ - توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری، ۳ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام،

۴ - جاسوسی به نفع اجانب، ۵ - کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر، ۶ - دعای مربوط به اصل (۴۹) قانون اساسی.» این قانون و قانون قبلی، دادگاه انقلاب را

یک دادگاه دائمی تلقی کرده و حتی جایگزینی عبارت «دادگاه انقلاب» در کنار «دادگاه عمومی» ممکن است این توهّم را ایجاد کند که دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی نیست بلکه یکی از شعب دادگاه عمومی است بخصوص اینکه ماده (۱۲) قانون مزبور، نظارت و ریاست اداری بر دادگاه انقلاب را بر عهده رئیس دادگاه عمومی قرار داده است؛ همان گونه که رئیس دادگاه عمومی بر بقیه شعب دادگاههای عمومی نیز چنین نظارتی دارد. همچنین به موجب ماده (۱۲) آیین نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، رئیس شعبه اول دادگاه ممکن است معاون رئیس شعبه اول دادگاه عمومی باشد.

دادگاه انقلاب، دادگاهی است که بیشتر موارد صلاحیت آن مربوط به حکومت و امور سیاسی می‌شود و طبیعی است که هنگام بحث پیرامون مسائل مختلف آن، دیدگاههای سیاسی هم دخالت پیدا می‌کند اما نگارنده این سطور به دور از مسائل سیاسی در نظر دارد به نکاتی در مورد دادگاههای انقلاب بپردازد؛ بنابراین در ادامه گفتار، سؤالی را مطرح نموده، در حدّ توان پاسخ می‌دهیم:

۱ - آیا دادگاههای انقلاب، دادگاههای اختصاصی هستند یا تخصصی؟

تفاوت دادگاه اختصاصی با دادگاه تخصصی، آنست که دادگاه تخصصی در حقیقت یکی از شعب دادگاه عمومی است که به نوع خاصی از جرایم یا دعای رسیدگی می‌کند. همان گونه که ماده (۴) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، چنین دادگاههایی را پیش بینی کرده است: «به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضائی که لازم باشد با لحاظ نوع دعای و تجربه و تبحر قضات، هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعای حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.»

دادگاههای اختصاصی کیفری بر خلاف دادگاههای تخصصی، در مقابل دادگاه عمومی قرار دارند و صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند مگر اینکه قانون،

**دادگاه انقلاب یک  
دادگاه اختصاصی است  
زیرا به موجب قانون ،  
فقط صلاحیت رسیدگی  
به جرایم خاصی را دارد  
و در هیچ صورتی  
نمی تواند به جرایم  
دیگر رسیدگی کند.**

دادگاهها و دادرهای انقلاب که به موقتی بودن دادگاههای انقلاب تصریح دارند، ناظر بر همان دادگاههایی هستند که در آن زمان وجود داشته اند اما دادگاههای فعلی از نظر تشکیلات و صلاحیت با دادگاههای آن زمان تفاوت دارند؛ بنابراین این در حال حاضر دادگاههای انقلاب، دادگاههایی دائمی تلقی می شوند. این احتمال گرچه با ظاهر مقررات فعلی سازگاری دارد اما سابقه تشکیل دادگاههای انقلاب و قریبه هایی که به آن اشاره شد، چنین احتمالی را سست می کند و در حال حاضر که به لطف خداوند، انقلاب اسلامی از خطر تهدیدهای داخلی و خارجی در امان مانده است، به نظر می رسد که نیازی به تداوم دادگاههای انقلاب نیست مگر اینکه هنوز هم انقلاب اسلامی را با خطر انقراض و تهدید روبه رو ببینیم که در این صورت به خاطر وجود علت، وجود معلول هم ضروری خواهد بود.

۳ - آیا مشروعیت دادگاه انقلاب نیازمند پیش بینی آن در قانون اساسی است؟ همان گونه که قبلاً گفته شد دادگاه انقلاب، دادگاهی اختصاصی است و قوانین اساسی کشورها با تشکیل دادگاههای اختصاصی برخوردی متفاوتی داشته اند. برخی از این قوانین مانند قانون اساسی ژاپن، اصل (۷۶) تشکیل دادگاه اختصاصی را بکلی ممنوع کرده است. برخی از آنها مانند قانون اساسی چین، اصل (۱۲۴) تشکیل آن را بر عهده دولت گذاشته اند اما بیشتر قوانین اساسی مانند قانون اساسی فرانسه اصل (۶۴) تشکیل دادگاه اختصاصی را منوط به اجازه قانون اساسی یا قانون بنیادی کرده اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی در این خصوص تصریحی ندارد بلکه اصل (۱۵۹) مقرر داشته است: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.» واژه «دادگاهها» در این اصل به صورت مطلق به کار رفته است و شامل دادگاههای عمومی و اختصاصی می شود بنابراین از ظاهر اصل (۱۵۹)، چنین برمی آید که قانون عادی

لازم الاجرا شدن این قانون ملغی است. « این ماده واحده از نظر موقتی بودن دادگاه با دو مصوبه قبلی تعارضی ندارد زیرا در آن تصریح یا اشاره ای به این مطلب نشده است. همچنین ماده (۵) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، فقط صلاحیت دادگاههای انقلاب را بر شمرده و مواد دیگر آن نیز دادرهای انقلاب را حذف کرده و نظارت اداری بر آنها را به رئیس دادگستری واگذار کرده است و بر دائمی بودن دادگاه انقلاب نیز تصریحی ندارد.

قرینه دیگری که بر موقتی بودن دادگاههای انقلاب وجود دارد، عدم پیش بینی آن در قانون اساسی می باشد و این عدم پیش بینی ناشی از فراموشی یا بی توجهی خبرگان مجلس بررسی قانون اساسی نبوده است بلکه در آن زمان نیز بحث دادگاههای انقلاب مطرح شده است اما بیشتر خبرگان با این استدلال که دادگاههای انقلاب موقتی هستند و در قانون اساسی نمی توان نهادهای موقتی را پیش بینی کرد، دادگاه انقلاب را در قانون اساسی ذکر نکرده اند. ممکن است این احتمال به نظر رسد که ماده (۱۶) لایحه قانونی دادگاه رسیدگی به جرایم ضدانقلاب و ماده (۳) آیین نامه

صلاحیت رسیدگی را به صورت صریح و منصوص به آنها تفویض کرده باشد. در حالی که دادگاه عمومی، صلاحیت رسیدگی به هر جرمی را دارد مگر اینکه بر اساس نص قانون، رسیدگی به جرمی از صلاحیت آن خارج شده باشد. همان گونه که از توضیحات فوق برمی آید، دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است زیرا به موجب قانون، فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم خاصی را دارد و در هیچ صورتی نمی تواند به جرایم دیگر رسیدگی کند. دلیل دیگری که برای اختصاصی بودن دادگاه انقلاب وجود دارد، آنست که در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب واژه «انقلاب» با حرف «واو» به واژه «عمومی» عطف شده است و این از باب ذکر خاص پس از عام نیست بلکه دادگاه انقلاب در عرض دادگاه عمومی قرار گرفته است؛ همچنین رویه قضائی صلاحیت دادگاههای انقلاب نسبت به دادگاه عمومی را صلاحیت ذاتی می داند.

۲ - آیا دادگاههای انقلاب، دادگاههای دائمی هستند؟ دادگاههای انقلاب، فرزندان انقلاب هستند و هدف آنها کمک به استقرار نظام و مبارزه با موانعی بوده که انقلاب اسلامی را تهدید می نموده است و حتی در مصوبه اولیه شورای انقلاب نام «دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب» بر آن نهاده شده بود. ماده (۱۶) لایحه تشکیل دادگاه فوق العاده و ماده (۳) آیین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب، (مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷) به صراحت، دادگاه انقلاب را موقتی دانسته بود. موقتی بودن دادگاههای انقلاب تا سال (۱۳۶۲)، ابهامی نداشت اما در این سال که قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب به تصویب رسید، اشاره به دائمی یا موقتی بودن دادگاه انقلاب نکرد بلکه دادگاه انقلاب، جزئی از دادگستری به حساب آمد و شورای عالی قضائی عهده دار اداره آن شد. تبصره ماده واحده مزبور مقرر می داشت: «کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مخالف باشد، از تاریخ

می‌تواند دادگاههای اختصاصی را هم تشکیل دهد اما این برداشت از قانون بدون اشکال نیست و قرینه‌هایی وجود دارد که کلمه «دادگاهها» را منصرف به دادگاههای عمومی می‌کند زیرا:

اولاً: در صدر اصل (۱۵۹) واژه «دادگستری» بیان شده است بنابراین کلمه «دادگاهها» که به دنبال آن آمده است... منصرف به دادگاههای دادگستری می‌باشد.

ثانیاً: دادگاههای اختصاصی دیگر یعنی دادگاه نظامی و دیوان عدالت اداری به صراحت در قانون اساسی پیش‌بینی شده است در حالی که اگر قانون عادی، حق تشکیل دادگاههای اختصاصی را داشت، نیازی به ذکر دادگاه نظامی و دیوان عدالت اداری در قانون اساسی نبود.

ثالثاً: مشروح مذاکرات خبرگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخوبی موقتی بودن دادگاههای انقلاب را بیان می‌کند زیرا پس از بحث زیاد پیرامون این مطالب که دادگاههای انقلاب نیز باید در قانون اساسی تصریح شود یا خیر؛ و نیز اصل (۱۵۹) شامل دادگاههای انقلاب نیز می‌شود یا نه نایب رئیس مجلس خبرگان برای ختم بحث اعلام می‌دارد که: «بگذارید این اصولی که همیشگی است مستقل بماند و آن اصل که موقت است جداگانه می‌گذاریم که مادام که نیازی به دادگاهها و دادسراهای انقلاب هست اینها به قوت خودش باقی است...».

رابعاً: اصل (۱۲۸)، پیش نویس قانون اساسی مقرر می‌داشت: «تشکیل محاکم اختصاصی جز در موارد مصرح در این قانون ممنوع است ولی ممکن است برخی از شعب محاکم عمومی به نوع خاصی از دعاوی رسیدگی کنند.» این اصل پیشنهادی و نیز مذاکراتی که در مجلس نهایی انجام شده است، بخوبی نشان می‌دهد که افکار عمومی و دیدگاه خبرگان ملت تا چه حد نسبت به دادگاههای اختصاصی حساس بوده‌اند.

نتیجه اینکه، اگر کلمه دادگاهها در اصل (۱۵۹) قانون اساسی، قابلیت اطلاق به

دادگاههای اختصاصی را داشته باشد، با توجه به پیش‌بینی دادگاه انقلاب در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، شبهه‌ای در مشروعیت آن وجود نخواهد داشت.

۴- آیا صلاحیت دادگاه انقلاب با فلسفه وجودی آن سازگار است؟

در حال حاضر، مهمترین موارد صلاحیت دادگاههای انقلاب در ماده (۵) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب پیش‌بینی شده است و قوانین متفرقه نیز ممکن است مواردی را صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده باشند اما آنچه که از نام این دادگاه (دادگاه انقلاب) و فلسفه وجودی آن فهمیده می‌شود، آن است که صلاحیت دادگاه مزبور باید منحصر به جرایم علیه انقلاب اسلامی باشد و بسیاری از مصادیق پیش‌بینی شده نیز از همین خصوصیت برخوردار است مانند جرایم علیه امنیت کشور، توطئه علیه جمهوری اسلامی، جاسوسی و... اما برخی از جرایم نیز به دلیل اهمیتی که دارند در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است مانند توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری و محاربه زیرا این جرایم ارتباط مستقیم با انقلاب ندارند. بسیاری از جرایم دیگر نیز مانند ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر و جرایم نظیر اینها، خصیصه عمومی دارند که اصولاً باید همچون جرایم دیگر در دادگاههای عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین اشکالی که در اینجا خودنمایی می‌کند آنست که صلاحیت دادگاه انقلاب، استثنائی بر صلاحیت عام دادگاههای عمومی است و این استثناء باید محدود باشد. ممکن است گفته شود که اگر صلاحیت دادگاه انقلاب به جرایم مزبور منحصر شود، وقت این دادگاهها به هدر می‌رود زیرا بیشتر جرایم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب، ارتباط مستقیمی با انقلاب و امنیت آن ندارند و حتی مواردی هم که مربوط به امنیت کشور می‌شود، با جرایم علیه امنیت انقلاب تفاوت دارد زیرا امنیت انقلاب و امنیت کشور دو مقوله جداگانه هستند. این توجیه

برای پر کردن اوقات دادگاه انقلاب نیکوست اما اصل شبهه را پاسخ نمی‌دهد.

۵- دیدگاههای حقوقی و سیاسی نسبت به دادگاههای انقلاب چیست؟

اگر پایه‌های انقلاب بلافاصله پس از پیروزی آن تثبیت نمی‌شد، تثبیت بعدی آن با مشکل مواجه بود و یکی از راهکارهای این تثبیت برخورد قاطعانه و سریع با مخالفان بود اما از طرفی اعمال هر گونه مجازاتی تنها از طریق محاکم قضائی امکان داشت. طبیعی بود که روال عادی محاکمات و مجازاتها این خواسته را تأمین نمی‌کرد و در نتیجه شورای انقلاب که در آن زمان به صورت موقت امر قانونگذاری را نیز بر عهده داشت، به فکر تأسیس دادگاه ویژه‌ای به نام دادگاه انقلاب بیفتد. این دادگاه با توجه به سابقه‌ای که دادگاههای نظامی زمان طاغوت در اذهان مردم برجای گذاشته بود، همواره با تردید همراه بود هر چند این دو دادگاه، دو هدف متفاوت را تعقیب می‌کردند. دادگاه انقلاب تا مدت زیادی تابع تشریفات دادرسی عادی نبود و بسیاری از قضات آن، شرایط سایر قضات را نداشتند، احکام آن جز در چند مورد خاص، قطعی و لازم‌الاجرا بود. احکام آن به سرعت صادر و اجرا می‌شد، جلسات دادگاه به صورت غیر علنی برگزار می‌شد و اعمال طبقه‌های مزبور مورد قبول حقوق دانان و مکاتب حقوقی نیست بنابراین، تشکیل دادگاههای اختصاصی همواره با مخالفت ایشان مواجه بوده است اما از سوی دیگر، شرایط خاص بعد از پیروزی انقلاب، وجود چنین دادگاههایی را اقتضا نمود. در حال حاضر که شرایط بحرانی وجود ندارد، دادگاههای انقلاب نیز از نظر انتصاب قاضی، شیوه دادرسی و موارد دیگر مانند دادگاههای عمومی است و نگرانی تضييع حقوق متهم و دادرسی غیرعادلانه، موردی ندارد هر چند در برخی از موارد مانند امکان حضور هیأت منصفه در جلسات دادگاه و صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی ابهامهایی وجود دارد که باید از آنها رفع ابهام شود.